

مصاحبه رادیو انترناسیونال با منصور حکمت ۱۱ خرداد

رادیو انترناسیونال: شما در مقاله طوفان در راه است به این اشاره کرده اید که تشکیل مجلس اسلامی ششم دور جدید و بسیار پر تلاطم تری در کشمکش جناحهای حکومت را آغاز میکند. درحالی که تصور عمومی این است که با تشکیل مجلس قرار است اوضاع خوب و خوش و آرام پیش برود. چرا به نظر شما اوضاع کشور بعد از این مساله پر تلاطم تر و کشمکش جناحها شدید تر میشود؟

منصور حکمت: نمیدانم چرا میگوئید تصور عمومی این است. به نظر من تصور عمومی ابدًا این نیست. انتظار همه این است که با افتادن مجلس به دست دوم خردادیها، حال اینها لویحی بگذرانند، شورای نگهبان مخالفت کند، رهبر در منگنه قرار بگیرد، قوه قضائیه بهانه بگیرد و این و آن را دستگیر کند. فکر نمی کنم کسی تصور این باشد که با تشکیل مجلس اسلامی اکنون یک دوره صلح و صفا شروع میشود. کاملاً بر عکس، از قیافه همه شان پیدا است که دارند خودشان را برای یک دوره دیگر کشمکش حاضر میکنند. و آن هم در سطح جدیدی، چون این بار مجلس دست یک اردوی دیگری افتاده.

رادیو انترناسیونال: بیشتر از این نظر میگویم که رسانه ها دارند این تصویر را میدهند که بالاخره دوم خرداد در این پروسه توانست بر جناح راست پیروز شود و حالا که دولت و مجلس هم دست دوم خرداد است میتوانند اصلاحات را به پیش ببرند.

منصور حکمت: واقعیت قضیه اینطور نیست. دوم خرداد و جناح راست نیروهایی واقعی در حکومت هستند. این تقابل واقعی است. هیچ کدام بسادگی به دیگری تسلیم نمیشود. هیچیک اعلام شکست نکرده، نه راست اعلام شکست کرده و نه دوم خردادی ها از وجناتشان بر میآید که فکر می کنند قطعاً پیروز شده اند. واضح است که خط جبهه جنگ جناحها عوض شده است، ولی جدال سر جایش هست. دوره ای که دوم خردادی ها با صلح و صفا در جمهوری اسلامی قانون بگذرانند به نظر من امکان پذیر نیست. به هر حال باید تکلیفشان را با مساله هژمونی جناحی در حکومت و همینطور سیاست هایشان در قبال مردم تعیین کنند.

رادیو انترناسیونال: شما در همین نوشته به این اشاره کرده اید که حتماً جناح راست تلاش میکند که با توسل به شورای نگهبان و قوه قضائیه و ولی فقیه و شورای تشخیص مصلحت و تمام این ارگان هائی که در دست دارد، حتماً جلوی کار مجلس را بگیرد ولی عملاً نمی تواند و این سیاست محتوم به شکست است و بیشتر یک حالت ایذائی پیدا میکند. چرا چنین نظری دارید؟

منصور حکمت: به خاطر اینکه این یک مساله حقوقی نیست. ببینید اینکه روی کاغذ برای مثال مجلس خبرگان میتواند تصمیمات شورای اسلامی را وتو بکند دلیل کافی نیست برای اینکه فکر کنیم مدام و هربار میتواند این کار را بکند. سه بار که این کار را بکند بحث به خیابان کشیده میشود، بحث به تظاهرات مردم کشیده میشود. یا اینطور نیست که چون روی کاغذ قوه قضائیه می تواند افراد را به محاکمه بکشاند، لاجرم میتواند ۲۰۰ نماینده دوم خردادی را یکی یکی دستگیر کند. یا شورای نگهبان میتواند همه چیز را وتو کند یا ولی فقیه میتواند همه چیز را رد کند. مجلس خبرگان یا ولی فقیه و غیره دستشان کاملاً باز نیست که از این اختیارات فرمال و حقوقی شان مدام استفاده بکنند. پای مردم وسط کشیده میشود و دخالت مردم بقاء کل حکومت را تهدید میکند. بنظر من مجلس شورای اسلامی بهرحال یک سنگر واقعی جناح راست در جدال درون حکومت بود

و الان هم که دست جناح دوم خرداد افتاده یک سنگر واقعی اینها است. این آخر جنگ نیست ولی در این نبرد مشخص، دوم خردادیها یک تریبون را از دست آنها درآورده اند و حتما از آن استفاده میکنند. در این شک نیست که طرف مقابل سعی میکند مانع از این بشود که دوم خردادیها به شکلی که میخواهند از مجلس اسلامی برای قانون گذراندن استفاده کنند. ولی دخالت حقوقی شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و خامنه ای در این روند حدی دارد و در نتیجه راستها بنظر من در محافل خودشان بی تاب میشوند. هیچکدام، نه راستها و نه دوم خردادیها جریانات یکپارچه حزبی نیستند، مجموعه ای از محافل و شبکه ها هستند، در نتیجه امکان این هست که بخشهایی از جناح راست مایوس بشوند و روشهای افراطی تر و ماجراجویانه تری در پیش بگیرند. یا کل راست فکر کند که بیشتر از این نمیتواند عقب نشینی کند و باید ضربه ای بزند. و در نتیجه ممکن است دوم خردادیها با عکس العمل بیرون پارلمانی و غیر حقوقی راست مواجه شوند.

رادیو انترناسیونال: آیا بنظر شما کناره گیری رفسنجانی بخشی از این استیصال راست بود یا یک تصمیم شخصی؟

منصور حکمت: بنظر من دوم خردادیها در واقع با کانالیزه کردن نیروی مردم که از کل حکومت بیزار هستند نگذاشتند رفسنجانی در درجه اول بتواند رئیس مجلس بشود. و وقتی ریاست مجلس منتفی شد، آمدن رفسنجانی در مجلس بعنوان یک نماینده ساده و نشستن ته سالن برای خود رفسنجانی و کل جناح راست دیگر آنقدر موضوعیت نداشت. در نتیجه از روزی که رفسنجانی با این طرح که بعنوان رئیس مجلس سعی کند توازنی بین دو خردادیها و جناح راست برقرار کند و بخصوص جلوی تعرض دوم خردادی ها را سد کند، کاندید مجلس شد، واضح بود که دوم خردادیها به تکاپو می افتند تا مانع این طرح بشوند. فکر میکنم دوم خردادی ها ابتدا توافق کرده بودند که رفسنجانی را از صندوق در بیاورند، ولی سی ام کردن او بخشی از تلاش بعدی آنها بود که نگذارند مشروعیت سیاسی رئیس شدن در مجلس را داشته باشد. خودشان گاوبندی کرده بودند. اگر میخواستند میتوانستند از ابتدا پانزدهم اعلامش کنند. ولی اسمش را نفر سی ام (آنها با گذاشتن یک علامت سوال بالای آن) درآوردند برای اینکه نتواند رئیس مجلس بشود. و وقتی اینطور شد دیگر کارهای بعدی شورای نگهبان افتادن در تله دوم خردادیها بود (اینکه رفتند و با هزار بدبختی طرف را بیستم اعلام کردند بیشتر توجه مردم را به این مساله جلب کرد و مایه دردسرشان شد تا اینکه واقعا کمکی به رفسنجانی یا راست بکنند). رفسنجانی ممکن است شخصا فکر کرده باشد که حوصله کشمکش بعدی سر اعتبارنامه و غیره در مجلس و شنیدن شعار مرگ بر اکبرشاه در خیابان را ندارد، ولی در مجموع سیاست راست برای اینکه لااقل از کانال ریاست رفسنجانی یک درجه در مجلس بر دوم خردادیها کنترل بیشتری داشته باشند، توسط دوم خردادیها خنثی شد.

رادیو انترناسیونال: فکر میکنید انتخاب کروی به جناح دوم خرداد تحمیل شده؟

منصور حکمت: من فکر نمیکنم به جناح دوم خرداد بطور کلی تحمیل شده باشد. چون دوم خرداد هم یک حزب منسجم نیست، یک طیف است. اینها قانون بازی شان این است از آنجا که نه دوم خرداد نه راست، نمیخواهد دیگری را حذف کند، از آنجا که هر کدام فهمیده اند حذف ناگهانی دیگری معنی اش انقلاب مردم است، کش دادن این پروسه بدرد هر دو شان میخورد. در نتیجه به نظر من دوم خردادیها اگر میخواستند در این مقطع یک قدم دیگر به جلو بردارند ممکن بود فضا متشنج بشود و این تشنج را دوست ندارند. اینها دخالت مردم را دوست ندارند. میخواهند یک پیشروی پلکانی گام به گام در مقابل راست بکنند بطوریکه آب از آب تکان نخورد، مردم پادگان خلع سلاح نکنند، سپاه پاسداران دست نخورد، تظاهرات خیابانی نشود، اعتصاب نشود. برای اینکه مردم این کار را نکنند اینها باید دوباره قوانین جدید بازی را تعریف کنند که بتوانند چهارماه هم در زمین جدید بازی

کنند. انتخاب کروی به نظر من نشاندهنده خصلت این جدال است. دو طرف یک مرحله دعوا میکنند بعد می نشینند کشته هاشان را می‌شمارند، مقررات بازی را از نو تعریف میکنند، دوباره دعوا میکنند. هیچکدام از دو طرف قصد ندارد دیگری را ناگهان حذف کند. هرکدامشان میخواهد اینقدر آسه برود و آسه بیاید و قدم به قدم حرکت کند که مردم فرصت دخالت پیدا نکنند و فکر نکنند شیرازه امور گسیخته و میتواند حرکت انقلابی بکنند. میخواهند کنترل اوضاع دستشان باشد.

رادیو انترناسیونال: مساله این است که این پروسه به کجا می‌خواهد بیانجامد؟ شما در مقاله تان اشاره کرده اید که ایران تنها کشوری است که دولتش، قوه مجریه اش، به خودش اپوزیسیون می‌گوید! حالا اشاره کردید که قوه مقننه هم به اپوزیسیون پیوسته! مردم بالاخره الان که مجلس دست اینها افتاده منتظر نتایجی هستند.

منصور حکمت: بنظر من دوم خردادها می‌خواهند پلکانی پیشروی کنند، راستها هم می‌خواهند قدم به قدم مقاومت کنند. تا شاید بتوانند فرمول جدیدی پیدا کنند. منتهی پلکان هم بالاخره به یک جایی ختم میشود. اینطور نیست که با پلکان میتوان تا عرش اعلا رفت. در نتیجه آخر این پلکان معلوم است. بنظر من این مانورها دیگر جایی تمام میشود، همزمان با این مانورها و کشمکشهای دو جناح، مردم مدام دارند بیدارتر و متشکل تر و پر تحرک تر میشوند. در نتیجه توازن قوا، و فشار مردم از بیرون و جدال دو جناح در حکومت بالاخره به جایی میرسد که جدال دو جناح دیگر فرعی میشود و نبرد مردم با کل حکومت داستان اصلی ایران میشود. که الان داریم به آن مقطع نزدیک میشویم. در ماجرای بعد از برلین دیدیم که چطور دو جناح حمله شان را به مردم و کمونیسم و حزب کمونیست کارگری شدت دادند. همانطور که گفتید قوه مقننه بعلاوه مجریه بعلاوه زندانها بعلاوه بانک مرکزی بعلاوه کسانی که بودجه کشور را کنترل و خرج میکنند را نمیتوان اپوزیسیون نام گذاشت.. اینها اپوزیسیون نیستند. دوم خرداد بخشی از حکومت است و دفاع از دوم خرداد دفاع از حکومت است، همانطور که راستها هم بخشی از حکومت اند و دفاع از آنها دفاع از حکومت است. در نتیجه داریم راجع به دو جناح حکومت حرف می‌زنیم که با توجه به فشار اساسی مردم علیه کلیت شان، تلاش میکنند بیشتر به عمر خودشان اضافه کنند به این امید که شاید بعدا فرجی حاصل شود. بنظر من دوم خردادی ها هم میدانند که اگر بنا باشد سپاه پاسداران خلع سلاح شود، و اگر بنا باشد محاکمات جنایتکاران این بیست سال شروع شود، چیزی از خود اینها هم باقی نماند. اینها هیچ منفعتی در این ندارند که سران جمهوری اسلامی پای میز محاکمه بیایند یا اختناق برداشته شود یا آزادی احزاب و تشکیلات و مطبوعات برقرار بشود. وگرنه همین الان اینهمه آدم در زندانها بجرم دفاع از خود اینها دستگیر شده اند، چرا یکی دهانش را باز نمیکند، چرا فی المثل خود رئیس جمهور اسلامی نمی‌گوید که با زندانی شدن اینها مخالف است. همین. کافی است خاتمی بگوید با زندانی شدن کسانی که در کنفرانس برلین شرکت کردند مخالف است تا قوه قضائیه نتواند بیشتر از این نگاهشان دارد. عملا تناسب قوا اینطور هست. ولی اینها هیچ نفعی در این ندارند که قوه قضائیه را بر سر این مسائل تحت فشار بگذارند چون بحث آزادی زندانیان سیاسی سر زبان مردم می افتد و غیره. در نتیجه ما با تلاشی از طرف دولت، حکومت، برای کند کردن این روند روبروئیم. ولی بالاخره روند کند هم باید به ایستگاه بعدی برسد. این ایستگاه بعدی بطور جبری مبارزه وسیع و علنی مردم علیه کل اینها خواهد بود.

رادیو انترناسیونال: ولی بخشی از مردم و بعضی از احزاب و جریاناتی که به خودشان اپوزیسیون می‌گویند دارند از دوم خرداد دفاع میکنند چون فکر میکنند که این راحت ترین راه رسیدن به آن اصلاحاتی است که مردم میخواهند. این مثلا کم دردترین یا کم خشونت بار ترین راه است. بنظر شما آیا واقعا این راهی که اینها فکر میکنند به آن نتیجه میرسد؟

منصور حکمت: بنظر من بحث روش نیست، بحث راه نیست، دو جای مختلف می‌خواهیم برویم. مردم می‌خواهند به جایی بروند و دوم خردادی های درون و بیرون حکومت می‌خواهند به جای دیگری بروند. اینطور نیست که این کم مشقت ترین راه برای رسیدن به همان مقصدی است که همه مان می‌خواهیم. اینطور نیست، به مقصدهای مختلفی می‌خواهیم برسیم. این راهی است که قرار است این جماعات را به مقصد خودشان برساند. راهی که ما و مردم را قرار است به مقصد برساند چیز دیگری است. این احزاب و گروههایی که طرفدار دوم خردادند از سقوط جمهوری اسلامی بیشتر نگران و ناخوشنودند تا از بقاء آن. امیدوارند بتواند اصلاح بشود بدون اینکه تلاطم بشود، بتواند اصلاح شود بدون اینکه اوضاع دست مردم بیفتد، بتواند اصلاح و تعدیل بشود بدون اینکه خواسته‌های رادیکال مردم متحقق بشود، بدون اینکه زنان واقعا بتوانند صد درصد موقعیت اجتماعی برابر را پیدا کنند. چون خود اینها بخش عقب مانده جامعه اند، متحجربند. اینطور نیست که دوم خردادها یک نیروی پیشرو در جامعه هستند و مثلا اگر تمام اختیارات در دست دوم خردادها باشد ایران شبیه فرانسه میشود. اینها مذهب‌یونی هستند که دوست ندارند مردم زیادی تحریک بشوند. می‌خواهند اسلام را اندکی پشت پرده ببرند، می‌خواهند یک درجه گشایش ایجاد کنند بین "خودی" هایشان. می‌خواهند عده بیشتری را بیاورند داخل خودیها (برای مثال نهضت آزادی و غیره را). ولی مثلا به سازمان های زنان در کشور هیچوقت قرار نیست آزادی فعالیت بدهند، به حزب کمونیست کارگری قرار نیست آزادی فعالیت بدهند، قرار نیست در کردستان به آرای مردم مراجعه کنند، قرار نیست به اتحادیه های کارگری آزادی فعالیت بدهند. الان قوه مقننه و مجریه دست خودشان است، چرا همین فردا این کارها را نمیکنند؟ دفاع از دوم خرداد دفاع از یک روش متفاوت برای همان هدف مشترک نیست. بلکه جستجوی یک هدف متفاوت است. و ما بعنوان یک حزب سیاسی در مقابل اینها هستیم. فکر میکنم اکثریت عظیم مردم ممکن است به خاتمی بعنوان ابزاری برای اینکه جمهوری اسلامی تضعیف بشود، سست تر بشود و بشود بر آن پیروز شد نگاه کنند، ولی در این شک ندارم که اکثریت عظیم مردم به یک دنیای بعد از جمهوری اسلامی دارند فکر میکنند. در صورتیکه دوم خردادیهای بیرون حکومت به نشستن سر سفره جمهوری اسلامی دارند فکر میکنند. می‌خواهند سفره پهن تر پهن شود اینها هم سرش بنشینند. حالا اکثریت و حزب توده و نهضت آزادی و مجاهدین انقلاب اسلامی غیره هم شریک حکومت شده اند، که البته قبلا هم همه شان شریک حکومت بوده اند، می‌خواهند اوضاع را به دوره قبل از برگشتن خمینی از قم و دوره صدارت مهدی بازرگان، وقتی جنبش اسلامی خودش را وسیعتر تعریف میکرد، وقتی نهضت آزادی نه فقط در مجلس بلکه در دولت بود، وقتی که همین ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه بود، یک آدم مکلا نخست وزیر بود. می‌خواهند به آن اوضاع برش گردانند. درک نمیکنند که دنیا عوض شده و مردم قرار نیست به دوره مهدی بازرگان برگردند. مردم اصلا رژیم اسلامی نمی‌خواهند.

راديو انترناسيونال: برمیگردم به همین مقاله طوفان در راه است در انترناسیونال هفتگی. آنجا شما گفته اید که در دوره آتی جدال جناحها، جناح راست می‌رود تعریف جدیدی از خودش بدهد و یک آرایش جدید بخودش بدهد منظورتان از این چیست؟

منصور حکمت: بنظر من چند چیز تغییر کرده اولاً خامنه ای موقعیتش اندکی تغییر کرده. خامنه ای متوجه شده که قضیه "دو بال" دارد و هرچند که سمپاتی اش بیشتر به آن بال سنت گرا و محافظه کار و راست حکومت است، متوجه شده که حذف دوم خردادها و قلع و قمع علنی و وسیع آنها میتواند نتایج وخیمی برای کل حکومت داشته باشد، چون مردم دیگر بدون توهم به هیچ بخش حکومت و بدون هیچ انتظاری از هیچ گوشه حکومت میریزند روی سر همه شان و له و لورده شان میکنند. در نتیجه خامنه ای به درجه ای دارد موضع محتاطانه تری میگیرد و موضعش را به روشی که احتمالا خمینی در سالهای اول حکومت اسلامی داشت، شبیه تر میکند. یعنی سعی میکند جناحها را با هم به سازش بکشاند، راه حلهای مشترکی از بین شان پیدا کند،

سعی کند سکوت را رعایت کنند، سعی کند تشنج نکنند، با علم به اینکه خودش طرفدار این است که محافظه کاری و قشری گری اسلامی دست بالا داشته باشد. دوم اینکه بخشهایی از راستها و همین تروریست هائی که شبها میروند سر میبرند و آدم میکشند جناحی از خود حکومت اند، سرانشان در مجلس اند، در ارگانهای مختلف حکومتی اند، به رهبر بند هستند. ولی اکنون یک عده شان حوصله شان سر میروند. زیرا پیشروی قدم به قدم دوم خردادیهها در محافل آدمکشهای تروریست جنبش اسلامی باعث نگرانی و خشم زیادی میشود. من فکر میکنم محافلی از جناح راست خرج خودشان را از بستر اصلی راست سنتی جدا میکنند و تصمیم به اقدامات افراطی میگیرند. که خود این امر نتیجتا خامنه ای و پیکره اصلی راست در مجلس و در شالوده حکومتی را در آمیاس قرار میدهد که با این جناحهای افراطی اسلامی که قصد ترور و ارباب جناح دوم خرداد را خواهند داشت، چکار کند. اینها باعث میشود که در درون راست کشمکش بالا بگیرد. بنظر من راست از درون دچار تغییر شکل میشود. جهت عمومی اش این است. در حالیکه بستر اصلی راست تاکنونی به سمت تلاش برای کنترل دوم خرداد گام برمیدارد، با این امید که در ماههای آتی درجه ای همزیستی با آن پیدا کند، بخشهایی از راست مسلح مخفی تروریست پیدا میشوند که سعی میکنند کاسه و کوزه اینها را بهم بریزند و حتی جلوی چنین توافقاتی را بگیرند و رهبران راست و خود خامنه ای را هم در مقابل عمل انجام شده قرار بدهند. در نتیجه در خود راست یک دعوا است که باید دید نتیجه اش چه میشود. این نهایتا پروسه اضمحلال راست است.

رادیو اترناسیونال: بعنوان سوال آخر میخواستم بدانم با این حساب که شما میگوئید خامنه ای هم فهمیده که دو جناح دو بال رژیمند و به هر دو تایشان نیاز است آیا هیچوقت به پای کودتای نظامی نمیروند؟

منصور حکمت: بنظر من چرا. کودتای نظامی هیچوقت منتفی نیست. زیرا وقتی به مرگ بگیرندشان این کاری است که خواهند کرد. یعنی بالاخره یک روزی امکان دارد بلبشو اینقدر وسیع باشد و کنترل اوضاع چنان از دست رفته باشد که تنها امیدشان این باشد که سپاه پاسداران با "تائید رهبر" به خیابان بیاید و مخالفان خودی و غیر خودی را بگیرد. منتهی مشکل کودتا در حکومت اسلامی این است که با کودتا خودشان دارند به مردم میگویند که جنگ شروع شد و قانون از این ببعد قانون جنگ است. مردم آنوقت ضد کودتا خواهد کرد و دیگر برنمیگردند یک تکه از حکومت پیشین را به قدرت برسانند. اگر راست کودتا کند تا دوم خرداد را از صحنه بیرون بیاندازد مردم ضدکودتا میکنند و راست را شکست میدهند، منتهی این ضدکودتا دوم خرداد را سر کار نمیآورد. یک نیروی کاملا بیرون از حکومت را بقدرت میرساند. یعنی پروسه ضدکودتا علیه کودتای راست میتواند چاشنی انقلاب آتی ایران باشد، چاشنی یک انقلاب مردمی باشد. در نتیجه راست خیلی باید پشتش به دیوار باشد که با همه این اوصاف کودتا را تنها راه مقابل خود ببیند. کودتا منتفی نیست ولی بنظر من تمام تلاششان این است که نکنند. دو دفعه اینها رجز خواندند که کودتا میکنیم هر دو دفعه دوم خردادیهها بخصوص مجاهدین انقلاب اسلامی به آنها گفتند این کارهای احمقانه را بگذارید کنار به ضرر همه مان تمام میشود. بنظر من کودتا یکی از مراحل آخر در روند سرنگونی جمهوری اسلامی است. یادتان هست که وقتی که محافظه کاران ارتش شوروی علیه گورباچف کودتا کردند و او را دو روز در ویلائی نگه داشتند، کودتایشان خشنی شد ولی گورباچف نماند. گورباچف رفت و یلتسین آمد. اینجا هم همینطور میشود. مردم ضدکودتا میکنند، بطور قطع ضد کودتای مردم پیروز میشود و بسرعت هم پیروز میشود و بعد دیگر جناح راست و جناح دوم خرداد هر دو از میدان بدر میشوند و نیروهای دیگری سر کار میآیند.